

پیک هفته " راه توده "

درگیری نظامی فلاحیان و پسرش با واحد ویژه انتظامی، پشت پادگان عشرت آباد!

مطبوعات و ارگان‌های قضائی و انتظامی جمهوری اسلامی، پیرامون قتل یک درجه دار واحد ویژه نیروهای انتظامی بدست فرزند علی فلاحیان - "محسن" - وزیر اسبق اطلاعات و امنیت انواع گزارش‌های ضد و نقیض را منتشر و پخش کرده‌اند. در تمام این گزارش‌ها تلاش شده است تا یک نکته محوری در ارتباط با این رویداد از مردم پنهان نگهداشته شود: محل دقیق درگیری، تیراندازی و کشته شدن درجه دار نیروی انتظامی!

گزارش‌های ضد و نقیض خبری، محل رویداد نظامی را از خیابان شریعتی (جاده قدیم شمیران) تا میدان تجریش ذکر کرده‌اند و ماجرای بازجویی از محسن فلاحیان و باصطلاح محاکمه او را جلو انداخته‌اند تا گزارش دقیق حادثه در سایه این عمل قضائی قرار گیرد.

به موجب اخبار و اطلاعاتی که به "راه توده" رسیده، درگیری و تیراندازی در خیابان "سرباز"، یعنی خیابانی که در ضلع شرقی پادگان عشرت آباد قرار دارد روی داده‌است؛ همان پادگان نظامی که زندان ۵۹ در آن قرار دارد و دستگیر شدگان اخیر معروف به ملی-مذهبی‌ها (از جمله حجت‌الاسلام یوسفی اشکوری) در آن زندانی‌اند. واحد انتظامی که با فلاحیان و پسرش درگیر شده‌اند، از جمله نیروهای انتظامی ویژه مستقر در این پادگان و حفاظت خیابان‌های اطراف آن بوده‌اند. به این ترتیب، یک سر این حادثه به داخل پادگان عشرت آباد، زندان ۵۹، اختلافات بین گردانندگان این زندان، رقابت بین بازجوها و نیروهای حفاظت زندان و ماموران دستگیری و انتقال زندانیان به پادگان عشرت آباد و در یک کلام به حوادثی باز می‌گردد که دور از چشم مردم در این زندان روی می‌دهد. انتقال درجه دار تیرخورده به بیمارستان "امام حسین" در "نظام آباد"، که نزدیک‌ترین بیمارستان به انتهای خیابان "سرباز" است، خود تأیید کننده محل وقوع درگیری است. نام این بیمارستان در نخستین خبرهای منتشره پیرامون این واقعه در برخی مطبوعات منتشر شد، اما پس از آن دیگر از این بیمارستان نام برده نشد!

در همین ارتباط، گفته می‌شود از طرف دفتر "رهبر" به مقامات قضائیه دستور داده شده است تا ضمن کنترل مطبوعات برای عدم پرداختن به این درگیری و قتل، پرونده قضائی ماجرا نیز هرچه زودتر و پیش از ادامه کنجکاوی‌های مردم بسته شود. معمولاً این نوع دستورات توسط حجت‌الاسلام "میرحاجازی" منشی مخصوص رهبر صادر می‌شود که خود یکی از سازمان دهندگان تشکیلات اطلاعاتی جدید و از طراحان دستگیری نیروهای ملی-مذهبی است.

نکته دیگری که مطبوعات و اطلاعیه‌های رسمی به آن اشاره کرده‌اند اما اتهامات آن را روشن نساخته‌اند اینست که فلاحیان همراه فرزندش از دفتر کار خود در ساعت ۱۵:۰۰ بامداد به خانه باز می‌گشته که با گشت انتظامی روبرو شده‌است.

این که فلاحیان از دفتر کارش به خانه باز می‌گشته درست است اما نوشته و گفته نمی‌شود که محل واقعی این دفتر کجاست؟

از آنجا که محل این دفتر در ارتباط مستقیم با زندان ۵۹ و پادگان عشرت آباد است، شرح کوتاهی از سابقه این زندان ضرورت دارد:

زندان ۵۹ که در محوطه پادگان عشرت آباد قرار دارد، قبل از انقلاب یک زندان عادی نظامی برای تنبیه خاطیان درون سازمانی ارتش بود. بعد از انقلاب این زندان مورد استفاده گهگاهی قرار گرفت، بویژه در زمان یورش به حزب توده ایران مقرر فرماندهی عملیات دستگیری‌ها در آن قرار داشت. ساختمان این زندان تا سال ۷۹ تغییر چندانی نکرده بود، اما در این سال بازسازی آن شروع شد. ساختمان جدید دو طبقه‌ای به ساختمان قبلی اضافه شد که به ساختمان سفید معروف است. بلافاصله پس از پایان کار این ساختمان، در طبقه بالای آن یک مرکز اطلاعاتی سازمان داده شد و اتاق‌های طبقه اول به محل بازجویی اختصاص یافت. دفتر کار علی فلاحیان به طبقه بالای ساختمان سفید منتقل شد و به این ترتیب یک سازمان اطلاعات و امنیت جدید به رهبری او در کنار وزارت اطلاعات و امنیت شکل گرفت. بیشتر کسانی که بعد از افشای

قتل‌های زنجیره‌ای از وزارت اطلاعات و امنیت تصفیه شده بودند- نظیر " اکبر خوشکوش " و بسیاری از افرادی که در جزوه ۸۰ صفحه‌ای از آن‌ها نام برده شده و سال‌ها همکار علی فلاحیان در وزارت اطلاعات و امنیت بوده‌اند، در این مرکز به کار مشغول شده‌اند. بنابراین، در شب حادثه، فلاحیان و پسرش از این ساختمان خارج شده و به ظاهر راهی خانه بوده‌اند که با نیروهای ویژه انتظامی روبرو می‌شوند. مشخص نیست که این واحد انتظامی از آنچه در ساختمان سفید و زیرزمین‌های آن می‌گذرد با اطلاع بوده و بعنوان معترض جنایات داخل ساختمان در برابر فلاحیان ظاهر شده‌اند و یا چون وی را نشناخته‌اند متوقف ساخته‌اند تا هویت او و همراهش را مشخص کنند.

خبر ساختمان سفید پادگان عشرت آباد و شکل گیری یک مرکز جدید اطلاعاتی اینجا و آنجا گفته می‌شد اما راز زیر زمین این ساختمان تنها بعد از دستگیریهای اخیر آشکار شد. در این زیر زمین، سلول‌های ویژه‌ای به شکل استوانه ساخته شده است. این سلول‌های استوانه‌ای یک راه ورودی بیشتر ندارند که در ورودی آنها بشکل اتوماتیک باز بسته می‌شود. در داخل سلول‌ها هیچ چیز وجود ندارد و زندانی را برهنه کرده و به داخل آن می‌اندازند. نور شدیدی که از سقف بلند سلول می‌تابد فضا را تا حد غیر قابل تحمل گرم و روشن می‌کند. به محض ورود زندانی بلند گوها باز می‌شوند و صدای گوشخراش نوحه خوانی پخش می‌شود. زندانی که از دریچه‌های نامرعی تحت کنترل است نمی‌تواند بنشیند و آنقدر در این حالت نگه‌داشته می‌شود تا از پا بیافتد. به محض از پا افتادن زندانی، او را به اتاق بازجویی می‌برند. در اینجا از زندانی که چشم بند به چشم دارد می‌خواهند به جرائم خود اعتراف کند. متن اعترافات، که گفته می‌شود "حسین شریعتمداری" سرپرست موسسه انتشاراتی کیهان آن را بر اساس سناریوی براندازی و ارتباط با خارج آن را نوشته جلوی زندانی گذاشته می‌شود و او فقط باید به آنها اعتراف کند. همین متن را در برابر امثال مهندس سبحانی، دکتر پیمان، علیرضاجائی و چند تن دیگر گذاشته‌اند. ابتدا اعتراف آنها به براندازی و سپس وصل این اعترافات به جریان دوم خرداد و تبلیغ این تئوری، که آنها به کمک خارجی می‌خواسته‌اند جمهوری اسلامی را بر اندازند. در فیلم‌های اعترافات که برای نماینده مخالف دولت در مجلس به نمایش گذاشته شده این خط دقیقاً مشخص است. این فیلم‌ها، پیش از به نمایش گذاشته شدن آنها برای نمایندگان مخالف دولت در مجلس، برای اعضای مجمع تشخیص مصلحت نیز نمایش داده شده‌است.

در روزهای اخیر، سخنرانی‌هایی از حسین شریعتمداری در چند دانشگاه منتشر شده‌است، که مضمون آنها، همان متن نامه اعترافات زیر شکنجه‌ایست که در زندان ۵۹ در برابر زندانیان از پا افتاده در سلول‌های استوانه‌ای آن می‌گذارند تا آن را از رو بخوانند و فیلم از آن تهیه شود.

به این ترتیب، بین آنچه در داخل پادگان عشرت‌آباد، اتاق‌های بازجویی و سلول‌های انفرادی زندان ۵۹ می‌گذرد و هدایت آن در طبقه دوم ساختمان سفید در دست علی فلاحیان است، با حادثه‌ای که در خیابان سرباز اتفاق افتاده رابطه‌ای وجود دارد که جزئیات آن پنهان نخواهد ماند!